

جایگاه مبارزه سیاسی در زندگی ائمه معصومین علیهم السلام

مبتنی بر اندیشه های حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای و با رویکرد به کتاب هم‌زمان حسین علیه السلام

زینب عابدی^۱

چکیده

مطالعه سیره معصومین علیهم السلام و اسوه پذیری از سبک زندگی این حضرات هم‌ام، یکی از ضروریات در جامعه اسلامی است. تاریخ زندگی معصومین نباید فقط در چارچوب داستان‌ها و خاطرات پرشکوه و آموزنده مورد توجه قرار گیرند بلکه لازم است با مطالعه دقیق و بررسی همه جوانب موضوع، اصول حاکم بر شیوه زندگی آن حضرات را استخراج نموده و به عنوان الگو، در زندگی فردی و اجتماعی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. با مطالعه ی دوران حدود ۲۵۰ ساله امامت، از سال ۱۱ هجری تا سال ۲۶۰ (رحلت پیامبر اکرم تا آغاز غیبت صغری) به برخی اصول ثابت در زندگی تمامی معصومین برمی‌خوریم که هر چند بسته به اقتضائات زمان، شیوه و شکل آن دستخوش تغییرات بوده اما در اصل یک الگوی رفتاری ثابت و مشخص را دنبال می‌کند. این وحدت در اصول تا جایی است که گویی یک روح در ابدان مختلف و در طول ۲۵۰ سال زندگی کرده است. در میان این اصول ثابت «اصل مبارزه و جهاد» جایگاه ممتازی را به خود اختصاص داده است تا جاییکه رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای در سال‌های پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در خلال موضوعات مختلف، این موضوع را مورد اشاره قرار داده اند. مقاله حاضر در صدد است با نگاه به کتاب «هم‌زمان حسین علیه السلام» ضمن تبیین صحیح از مفهوم جهاد و مبارزه؛ عنصر مبارزه را به عنوان اصل اساسی و تعطیلی ناپذیر در زندگی معصومین معرفی کرده و به شیوه های گوناگون مبارزاتی ائمه معصومین علیهم السلام در طول دوران امامت بپردازد.

واژگان کلیدی: تاریخ اسلام، جهاد، سیره معصومین، مبارزه با طاغوت.

۱ طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه حضرت زینب کبری سلام الله علیها

مقدمه

شناخت تاریخ حیات ائمه علیهم السلام امری مهم و غیر قابل انکار است و همگان بر این موضوع تکیه کرده اند. دامنه شناخت شیعیان نسبت ائمه معصومین علیهم السلام نباید محدود به شناخت شناسنامه ای آن حضرات همام و یا شناخت داستان هایی کوتاه از زندگانی نورانی ایشان باشد. آن چه بیشتر مورد تاکید و اهمیت است آن است که شیعیان بدانند راه و رسم ایشان چه بوده است، خطوط قرمز ایشان چه بوده است؟ مبنای ایشان در دوستی ها و دشمنی ها چه بوده است؟ ایشان برای پیش برد اهداف دین خدا، چه طور برنامه ریزی می کردند و این برنامه ها را چگونه جامه عمل می پوشاندند. رهبر انقلاب در بیانات خود این را تصریح می فرمایند که گرچه عموم مردم از شیعیان، اطلاعات شناسنامه ای قابل قبولی از ائمه معصومین علیهم السلام دارند، اما این شناخت در سطوح عمیق تر یعنی شناخت اهداف و برنامه ها و روش ها مطلقاً در حد کفایت نیست و باید اصلاح شود. در این جا خوب است مفهوم نام آشنای «سیره» را با دقت بیشتری مورد توجه قرار دهیم. سیره مفهومی مستقل از «سیر»، «سنت» و یا «تاریخ» است. سیره یعنی راه و روش، یعنی بررسی ابعاد مختلف شخصیتی و رفتاری یک فرد، از زوایای گوناگون. لذا وقتی از مطالعه سیره معصومین علیهم السلام صحبت می کنیم منظور شناخت اصول حاکم بر تصمیم ها و برنامه ریزی ها است، و نه تاریخ تولد و محل زندگی و مواردی از این قبیل. این شناخت عمیق از سیره امام، دو فایده عمده دارد؛

۱) آموختن راه و روش زندگی از ایشان

قول و فعل و تقریر کسی که در مقام امامت و رهبری جامعه اسلامی قرار گرفته است، مهم ترین مشخصه برای شیوه رفتاری مأمومین جامعه است. مأمومی که می داند امامش در فلان موضوع سیاسی، یا در فلان بحث اجتماعی، چه موضعی اتخاذ کرده و چه تصمیمی گرفته است، می داند که در شرایط مشابه در طول ادوار تاریخ، چگونه باید رفتار کند که تبعیت از امام محسوب شود و مرضی رضای امام باشد. مکرراً در اسناد روایی ما در باره کیفیت نشست و برخاست و شیوه غذا خوردن و اقامه نماز حضرات معصومین، داستان ها نقل شده است که همین روایت مبنای بسیاری از فتاوی فقها است و امروزه مورد بهره برداری عموم مسلمین قرار گرفته است اما با نهایت تاسف، تا به این جای تاریخ، نقاط بسیار مهم تری از زندگانی ائمه، مثل مواجهه معصومین با موضوعات سیاسی و اجتماعی دوران خویش؛ آن طور که باید مرود دقت و پردازش قرار نگرفته و به آگاهی عموم نرسیده است. تا جایی که اگر امروز برای دستیابی به مواضع سیاسی و اجتماعی معصومین، باید همچون پژوهشگران قرن ۳ و ۴ هجری، در جستجوی منابع دست اول و تفاسیر بود تا بتوان به اطلاعات قابل قبول دست پیدا کرد.^۱

این اولین فایده ایجاد شناخت نسبت به زندگی پیشوایان است که به پیروان کمک می کند تا در امور مستحدثه، شرایط را با سیره معصومین علیهم السلام تطبیق داده و در کار خود به گونه ای رفتار کنند که مورد رضای ایشان باشد.

۲) برانگیخته شدن و ایجاد اعتماد به نفس مذهبی

دومین فایده مهم شناخت سیره ائمه معصومین علیهم السلام، فایده روحی و روانی آن بر جامعه است. هر جامعه ای برای حفظ هویت خود نیازمند قهرمانانی است که به آن ها مباحثات کنند. این مطلب از دیرباز تا کنون از مشترکات همه جوامع بشری بوده است. کسی که میخواهد پای یک مذهب و اعتقاد و عقیده، ایستادگی کند و به این سو و آن سو متمایل نشود، نیازمند داشتن چنین اسطوره هایی است. ائمه معصومین علیهم السلام بلندترین و ممتازترین چهاره های طول تاریخ اند که در زمینه های متعدد، این امکان را به پیروان می دهند تا به ایشان مباحثات کنند. جامعه ای که شخصیت های برجسته ای برای افتخار دارد ریشه دار و محکم است و برعکس، جامعه ای که شخصیت های ممتازی در پیشینه تاریخی آن وجود نداشته باشد، احساس حقارت میکند و ضعیف می شود و به راحتی به تصرف فرهنگی دیگران در می آید.^۱

متأسفانه امروز هیچ کدام از این دو فایده در اختیار ما نیست. ما نسبت به زندگی سراسر نور ائمه طاهرين علیهم اسلام، نه شناخت آموزنده داریم و نه شناخت انگیزاننده. این عدم شناخت ما دشمن را به فکر می اندازد تا با به فراموشی کشاندن و یا تحریف این شخصیت های بزرگ، این میراث گرانقدر از جامعه ما بگیرد. همین عدم شناخت موجب می شود که مومنین وحدت خط مشی موجود میان ائمه طاهرين را درک نکرده و مدعی وجود تفاوت ماهیتی میان رفتار ایشان می شوند. طبیعی است که شرایط زمان امامت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام با حضرت سیدالشهدا و با حضرت امام رضا علیهم السلام یکسان نبوده و رفتار های به ظاهر متفاوت از ایشان دیده شود. اما این دلیل بر وجود تفاوت میان ایشان نبوده و نباید جملات به ظاهر متفاوت ایشان و یا رفتار ها به ظاهر متناقض ایشان را ناشی از تفاوت در سیاست و خط مشی دانست.

با مطالعه دقیق زندگی ائمه و حصول شناخت نسبت به سیره این بزرگواران، می توان به اصول مشترک و ثابتی در میان رفتار های ایشان پی برد که گویی یک روح است که در طول ۲۵۰ سال و در قالب دوازده امام جلوه کرده است. این تعبیر «انسان ۲۵۰ ساله» از حضرت آیت الله خامنه ای دقیقاً بیانگر همین موضوع است. ایشان در سخنرانی آیین افتتاحیه دومین کنگره جهانی امام رضا علیه السلام در سال ۱۳۶۵ این طور ایراد کرده اند:

زندگی این بزرگواران علی‌رغم تفاوت ظاهری - که بعضی حتی احساس تناقض کردند میان برخی از بخشهای این زندگی در مجموع یک حرکت مستمر و طولانی است که از سال ۱۱ هجرت شروع میشود و ۲۵۰ سال ادامه پیدا میکند، و به سال ۲۶۰ که سال شروع غیبت صغرا است، خاتمه پیدا میکند. این بزرگواران، یک واحدند، یک شخصیتند؛ نمیشود شک کرد که هدف و جهت آنها یکی است.^۱

در ادامه با معرفی عنصر جهاد و مبارزه به عنوان عنصری اساسی مشترک در سیره ائمه معصومین علیهم السلام به تبیین این مفهوم پرداخته و به برداشت های غلطی که در این خصوص وجود دارد اشاره خواهد شد.

جهاد و مبارزه در سیره ائمه معصومین

جهاد، اصطلاحی فقهی است، به معنای مبارزه در راه خدا با جان و مال، در نبرد با مشرکان و باغیان و با هدف اعتلای اسلام و برپاداشتن شعائر آن^۲. جهاد از فروع دین است و فقها در باب مستقلی با عنوان «جهاد»، به تفصیل درباره احکام فقهی آن سخن گفته‌اند. جهاد در متون دینی غیر از معنای فقهی و خاص، به معنای مشقت نیز به کار رفته است. در برخی احادیث، برای اشاره به اهمیت و دشواری برخی اعمال، از آنها به مثابه جهاد یاد شده است. برای نمونه در برخی روایات، مجاهدت نفس در برابر شیطان و هواهای نفسانی جهاد اکبر معرفی شده است.^۳ همچنین کارهایی مانند امر به معروف و نهی از منکر، به جا آوردن حج، سخن گفتن به عدالت در برابر سلطان ستمگر، تلاش برای زنده کردن سنتی نیکو در جامعه، خوب شوهرداری کردن زن و تلاش مرد برای کسب روزی حلال برای خانواده، روزه گرفتن در گرما، جهاد در راه خدا دانسته شده است.^۴

۱ سخنرانی در دومین کنگره بین المللی امام رضا علیه السلام

۲ ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ذیل لغت «جهاد»

۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله به گروهی از اصحاب که از نبرد با دشمن باز می‌گشتند، فرمود: مرحبا به قومی که جهاد اصغر را به انجام رسانده‌اند، و جهاد اکبر بر ایشان باقی است. گفتند: ای پیامبر خدا، جهاد اکبر چیست؟ فرمود جهاد با نفس (وسائل الشیعه ج ۱۵، ص ۱۶۱)

۴ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۵۹ و ج ۵، ص ۹ و ۸۸؛ متقی هندی، کنز الاعمال، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۶۴-۶۵؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۲۵۶.

در آیات قرآن و احادیث، در باب اهمیت جهاد، فضایل زیاد بیان شده است. در آیات ۲۰ و ۲۱ سوره توبه، به مقام رفیع کسانی که با جانها و اموالشان در راه خدا جهاد می‌کنند، نزد خدا اشاره شده و چنین افرادی از رستگاران معرفی و رحمت الهی، مقام رضا و خشنودی خداوند و بهشت جاودانه به آنها بشارت داده شده است.^۱ همچنین مطابق آیه ۹۵ سوره نساء، خداوند مرتبه مسلمانان جهادگر را بر دیگر مسلمانان برتری بخشیده است.^۲ در برخی روایات، جهاد دری از درهای بهشت معرفی شده که خداوند برای اولیا و بندگان خاصش گشوده است.^۳ در روایتی، برترین کار بعد از فرایض و در روایتی دیگر، شریف‌ترین عمل پس از پذیرش اسلام، جهاد معرفی شده است. همچنین در برخی روایات، قله رفیع اسلام و در برخی نیز از ارکان ایمان دانسته شده است.

اما جدای از این تعاریف عمومی و بیان اهمیت مفهوم جهاد، لازم است مطابق با موضوع بحث و به صوت دقیق تر به مفهوم جهاد بپردازیم. مطابق تعریف حضرت آیت الله خامنه ای، جهاد یعنی درگیری با یک دشمن، به یکی از شقوق ممکن. به عبارت دیگر و با در نظر داشتن معنای لغوی جهاد، جهاد عبارت است از تلاش و کوشش در راه پیشبرد هدف، منتها آن جهاد و کوششی که با درگیری با دشمن همراه است. پس دو رکن دارد؛ یکی تلاش و کوشش، یکی در مقابله با دشمن. به عبارت دیگر آن عملی جهاد است که سخت تر و فراتر از کار معمول باشد و در راستای ضربه زدن و یا دفع شرارت دشمن صورت پذیرد. بنا بر این تعریف و با توجه به این دو رکن، دو تلقی رایج در موضوع جهاد مورد مناقشه قرار گرفته و رد می‌شود.^۴

اولین تلقی غیر صحیح در باب جهاد آن است که آن را محدود کنیم به جهاد مسلحانه. خیر، گاهی جهاد با مال است همانگونه که در قرآن تصریح شده، گاهی با عرض و آبرو است، گاهی با زبان و تبلیغ است. البته که جهاد

۱ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ۚ أَنَا أَنِ ائِمَانِ أوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندتری است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادتمندان دو عالمند.

۲ لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ ۚ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً ۚ وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى ۚ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ۚ هَرَكُزِ مُؤْمِنَانِي كِه بدون عذر از جهاد بازنشستند با آنان که به مال و جان در راه خدا جهاد کنند یکسان نخواهند بود، خدا مجاهدان (فداکار) به مال و جان را بر بازنشستگان (از جهاد) بلندی و برتری بخشیده و همه (اهل ایمان) را وعده پاداش نیکو فرموده، و خداوند مجاهدان را بر بازنشستگان به اجر و ثوابی بزرگ برتری داده است.

۴ الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ ، وَ هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى ، وَ دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ ، وَ جُنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ . همانا جهاد یکی از درهای بهشت است که خداوند آن را برای اولیای خاص خود گشوده است. جهاد جامه تقوی و زره استوار خداوند و سپر محکم اوست.

به این ترتیب بنی عباس با بهره گیری از قیام ابومسلم در خراسان موفق به برچیدن عمده حکومت بنی امیه شده و خلافت را در دست گرفت. در چنین شرایط امام صادق علیه السلام اقدامات تبلیغی خود را از نو شروع کرده و مردم را با حقیقت غاصب بنی عباس روبرو کردند و به تبیین معارف ناب شیعه و به تربیت نیرو پرداختند. در ده ساله اول حکومت بنی عباس، به خاطر درگیری ها و جنگ های مکرر، فرصت پرداختن به امام صادق علیه السلام را نداشتند اما بعد از آن که فضای کشور عباسی آرام شد و منصور متوجه شد که فرزندان علی علیه السلام همان اقدامات مبارزاتی زمان بنی امیه را دنبال می کنند، به امام صادق علیه السلام پرداخت و ایشان را برای مدت طولانی تبعید نمود.

یکی از اقدامات مبارزاتی امام صادق علیه السلام این بود که با قیام های حادّ مبارز همچون قیام زید بن علی بن الحسین و محمد بن عبدالله بن حسن ارتباط نزدیکی داشته و از ایشان حمایت می کرد.^۱ تشکیلات امام صادق آن قدر مستحکم عمل می کند که در چنین شرایطی، امکان قتل علنی امام علیه السلام برای دستگاه خلافت مقدور نیست و خلیفه مجبور است مخفیانه و با مسمومیت، امام را از سر راه خود بردارد. البته امام علیه السلام در آخرین لحظات نیز دست از مبارزه نکشیده است و با دو ضربه دیگر به دستگاه خلافت، مبارزه خود را تمام می کند؛ یکی این که اجازه نمی دهد مسأله کشتن او نا مکتوم بماند و وصیت می کند که شیعیان تا ۷ سال بر این مصیبت عزاداری کنند.^۲ دیگری آن که با مشخص کردن چند وصی در وصیت نامه خود اجازه نمی دهد منصور جانشین امام را بشناسد.

در دوران موسی بن جعفر علیه السلام، آهسته آهسته این مبارزات علنی تر گردیده و جنبه ظاهری پیدا می کند. بروز اختلاف را در داستان هایی که از این دوران نقل شده است می توان دنبال نمود، مثلاً در یک مورد آمده است زمانی که هارون الرشید که برای زیارت قبر پیامبر اکرم وارد حریم نبوی شد، پیامبر را با عبارت پسر عمو خطاب کرده و این گونه زیارت کرد. در جواب این اقدام مزورانه خلیفه امام علیه السلام که در حرم نبوی حاضر بودند پیامبر را پدر خطاب قرار داده و این گونه زیارت می کنند.

یا در جای دیگر که هارون الرشید قصد می کند فدک را به امام علیه السلام برگرداند و در همین راستا حدود آن را جویا می شود، امام حدود فدک را معادل کل خلافت اعلام نموده و این گونه اعتقاد به غاصب بودن هارون الرشید را علناً فریاد می زند.

۱ پیشوای صادق؛ صفحات ۸۸ تا ۹۵

۲ سمعت ابا عبدالله (علیه السلام): اوصی ان یناح علیه سبعة مواسم فاقف لكل موسم مالا ینفق». (ترجمه: شنیدم امام صادق علیه السلام) وصیت فرمودند که در هفت موسم (هفت سال در ایام حج) برایش تعزیت داری کنند و برای هر سالی مالی را وقف کرد، که صرف و خرج آن شود. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۴

در همین دوران نیز قیام هایی از سوی یاران و نزدیکان امام علیه السلام علیه دستگاه خلافت صورت میگیرد که از مهم ترین و مشهور ترین آنان قیام شهید فخر^۱، حسین بن علی از سادات حسنی است که با حمایت مالی و معنوی دستگاه امامت برپا شد و شهادت عده ای از شیعیان منجر شد.

سرانجام دستگاه خلافت که دیگر تحمل مبارزات حاد، امام علیه السلام را ندارد ایشان را برای چندمین بار زندانی کرده و این بار به حبس ابد محکوم می کند. البته که تحمل طولانی شدن همین حبس را هم نداشته و امام علیه السلام را به شهادت می رساند. در نتیجه مبارزات در این دوران؛ شیعه در بغداد یعنی مرکز خلافت عباسی نیز ریشه دوانده بود که داستان تشییع با شکوه پیکر مطهر موسی بن جعفر علیه السلام شاهی بر این مدعاست.

همین گسترش جمعیتی و قدرتمند شدن شیعه بود که مأمون عباسی را وادار کرد تا حضرت علی بن موسی علیه السلام را از مرکز تشیع دور سازد و او را در جوار خود در مرو تحت نظر داشته باشد. مأمون برای مخدوش کردن حیثیت و محبوبیت امام رضا علیه السلام پیشنهاد خلافت و ولایتعهدی را به امام علیه السلام ارائه کرد تا هم برا خود جاهتی خریده باشد و هم به خیال خود یاران امام را دلسرد کند که امام علیه السلام با رد کردن پیشنهاد ها و در نهایت با پذیرش مشروط به آن شروط معروف، این نقشه دستگاه خلافت را خنثی کردند.

شیعه دیگر در نهایت قدرت تشکیلاتی بوده و خلفای عباسی احساس میکردند در خلافتشان کس دیگری حکومت می کند و توان تحمل این اوضاع را نداشتند. از همین رو دستگاه خلافت شدت بر ائمه طاهرین را بیشتر کرده و ایشان را در تبعید و یا نظارت کامل نگاه داشته و در جوانی به شهادت می رساند.

امام جواد علیه السلام در ۲۵ سالگی توسط دستگاه خلافت به شهادت می رسد. امام هادی علیه السلام به سامرا تبعید شده و بار ها توسط دستگاه خلافت زندانی های طولانی مدت شدند و در ۴۲ سالگی به شهادت رسیدند. امام حسن عسگری علیه السلام نیز تمام عمر شریف خود را تحت نظارت و در محله نظامی زندگی کرده در ۲۸ سالگی به شهادت رسیدند. در این سال ها شیعه در خفقان کامل بود و هرچند تشکیلات تشیع به اقدامات تبلیغی و ترویجی خود می پرداخت اما امکان قیام عملاً منتفی شده بود.

در دوره چهارم امامت که از زمان امامت امام سجاد علیه السلام آغاز و تا آغاز غیبت صغری ادامه داشته است، مبارزه ائمه علیهم السلام دو شأن اساسی داشته است؛ یکی احیاء تفکر و معارف اسلامی و صیانت از آن و دیگری اداره حزب مذهبی سیاسی. در نتیجه این اقدامات در طول این ۲۰۰ سال و در شرایطی که بعد از عاشورا به گفته

۱ واقعه فخر از قیام های علویان علیه عباسیان در سال ۱۶۹ ق است که در روایتی از امام جواد(ع)، بعد از واقعه کربلا، سخت ترین ابتلای اهل بیت(ع) بوده است. این واقعه به رهبری حسین بن علی بن حسن معروف به صاحب فخر از نوادگان امام حسن(ع) در عصر امام کاظم(ع) و در مدینه شکل گرفت و به کشته شدن او و بیشتر یارانش انجامید. از آنجا که این واقعه در منطقه فخر در چهار کیلومتری مسجدالحرام رخ داد به قیام فخر یا قیام صاحب فخر مشهور شده است.

امام صادق علیه السلام فقط سه نفر از شیعیان باقی مانده بودند؛ جمعیت شیعه روز به روز افزایش یافت، معارف حقّه شیعه گسترش و تعمیق یافت، تشکیلات شیعه گسترده شد و با امکانات نظامی و مالی قدرت پیدا کرد و تا به جایی رسید که نه تنها از خطر حذف و فراموشی رهانیده شد بلکه تبدیل به مؤثر ترین جریان اسلامی تاریخ شد.

نتیجه گیری

با مطالعه سیره زندگی ائمه معصومین این نکته واضح می شود که مبارزه با دستگاه ظلم و تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی، رکن جدایی ناپذیر از زندگی ائمه معصومین علیهم السلام است و نباید آن را نادیده گرفت. شناخت جامعه نسبت به ائمه علیهم السلام نباید محدود به دانستن برخی داستان ها و یا اطلاعات شناسنامه ای بوده و آن چه مهم است شناخت اصول حاکم بر زندگی همه این حضرات است. این برداشت که مثلاً حسن علیه السلام امام صلح است و حسین علیه السلام امام جنگ، برداشتی تحریف شده، نادرست و خطرناک است. جهاد یکی از اساسی ترین اصول ثابت در زندگی معصومین است و احاد ائمه بسته به شرایط حاکم بر زمان، مشغول آن مجاهده بوده و هرگز سازشکار نبوده اند. مبتنی بر تعریف حضرت آیت الله خامنه ای، جهاد آن عمل سخت و غیر عادی است که در راستای مقابله با اهداف دشمن باشد و این تعریف شیوه آن را مشخص نمی کند. نه فقط سیدالشهدا امام حسین علیه السلام، بلکه احاد حضرات ائمه معصومین علیهم السلام مبارز بودند و همگی همزمان حسین علیه السلام اند.

امام صادق علیه السلام هم‌رمز حسین علیه السلام است؛ موسی بن جعفر علیه السلام، امام جواد علیه السلام و امام هشتم علیه السلام، هم‌رمز حسین اند. در میدان حسین علیه السلام و دوشادوش حسین علیه السلام. امام صادق علیه السلام در کنار حسین علیه السلام است و با همان دشمن می‌جنگد و مبارزه می‌کند؛ با همان دستی که حسین علیه السلام را شهید کردند او را هم شهید کردند؛ منتها در دو میدان. و مهم این است.

برشی از کتاب هم‌زمان حسین علیه

السلام

فهرست منابع

۱. همرزمان حسین علیه السلام ؛ انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶.
۲. انسان ۲۵۰ ساله؛ انتشارات موسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۰.
۳. پیشوای صادق؛ انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.
۴. دو امام مجاهد؛ انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶.